

بود کت آنت بالله الذی لا اله الا هو وان خدا عده و رسول  
و مسلمان شد **واذا بجل آنت** که ابر بصیر روایت کند  
با قرصی الله عن فرمود که هر دوی شناسم که اگر بکش در با بر  
به دو آب جگر و اقامت و عتات و حالات ایشان بدانند  
**وازان بجل آنت** که دیگری گفته است که جماعتی بد بلیز فانی  
با قرصی الله عن در آیدم شنیدیم که کسی بلیت سریانی چیزی می خواند  
با آواز خوشی می گوید کان بر دیم که مگر یکی از اول کتاب چیزی می  
خواند چون در آیدم هیچ کسی نبود که شنیدیم که کسی بلیت  
سریانی چیزی می خواند با آواز خوشی کت حاجات فلان می را  
یا در کدم و خواندم مرا که یا بید **وازان بجل آنت** که دیگری  
گفته است که روزی این عکاشه اسدی را با قرصی الله عن آید و روز  
دی جعفر رضی الله عن پیش وی ایستاده بود این عکاشه با با قرصی  
الله عن کت جعفر بان من رسیده است که ویران دمی چو او را  
زن می دمی و پیش با قرصی الله عن صرّه در سز نموده بود فرمود  
که درین زودی از بر بر نخاشی خواهد آمد و در فلان موضع تامل  
خواهد کرد چون دیگر بار بروی در آیدم فرمود که شمارا گفتیم که  
نخاشی خواهد آمد آید است بروید و باین صرّه جاریه بخزید چون  
پیش نخاشی رفتیم کت هر چه دستم فرو قتم مکر و کینز که هر یکی  
از دیگری بهتر است گفتیم هر دو آن را بر بیسیم هر دو را بروی آورد

یکی را

یکی را اختیار کردیم و گفتیم که بخند می فروشی کت بمقتاد دنیا گفتیم  
که چیزی که کن کت که هیچ نمی گنیم پس ما گفتیم که بهر چه درین  
صره باشد می خریم و می دانیم که در آنجا خدمت و نزدیک  
نخاشی هر دوی بود امین الراسی و اللجیدی کت که صرّه را بکشاید  
روزی کند نخاشی کت کتشی که اگر یک صرّه از بمقتاد دنیا  
کم باشد نخاشی فروخت دیگر بار آن پیر جانگ کرد که روزی کند  
صره را بکشایم روزی کردیم بمقتاد دنیا بود بی زیادت  
و نقصان پس جاریه را که قسیم و بر با قرصی الله عن در آیدم  
و جعفر پیش وی ایستاده بود با قرصی الله عن با بلیز کت  
بود خبر کردیم شکر خدا ای کت پس از آن جاریه بر رسید  
که نام تو چیست کت حمده فرمود که حمده فی الدنیا حمده  
فی الآخرة پس کت مرا خبر ده که بگری یا نسیب کت بگر فرمود  
که این چون بوده است که هیچ جاریه از دست نخاشان  
سلامت نمی بماند کت هر گاه که این نخاشی پیش نمی آید  
و قصد نمی کرد پیری امین الراسی و اللجیدی آید و در آنجا  
می زد و از پیش من دوری کرد و این صورت بگرار واضح  
پس با قرصی الله عن جعفر را کت بگر این کینز را و از وی  
متولد شد نیز اهل الارض موسی بن جعفر رضی الله عنک عفا  
**واذا بجل آنت** که روزی در مدینه با جماعتی